

موسیقی از چه می‌زید؟

پژوهشی درمبادی جامعه‌شناسی (۹)

رابطه زیبایی‌شناسی و جامعه‌شناسی

تألیف آلفونس سیلبرمان ترجمه و نگارش محمود خوشنام

درحالی که برخی در این اندیشه‌اند که زیبایی‌شناسی و روانشناسی را بشکلی ناروشن تلفیق کنند برخی دیگر، میکوشند تا آراء اختلاط زیبایی‌شناسی و جامعه‌شناسی، وحتى غالباً از اختلاط این هر دو و روانشناسی به دریافت اثر هنری دست پیدا کنند. اینگونه کوشش - در راه نزدیکی با اثر هنری - در نظر ما جالب‌تر از کوشش‌هایی بگونه‌ی دیگر است. بعبارت دیگر از این راه زیبایی‌شناسی بعنوان «شیئی و موضوع اجتماعی» ارزش پیدا میکند، «تین»^۱ به اقتباس از «هردر»^۲ میکوشید که تاریخ زیبایی - و نیز خود زیبایی - را از طریق سه عامل نژاد، محیط و زمان ادراک کند. بنابراین او بسوی نوعی هنرشناسی اجتماعی - زیبایی‌شناسانه گرایش پیدا کرد که براساس آن «فونکسیون»های اولیه انگیزه و

1- Taine

2- Herder

زندگی ساز هنر بشمار میرود و همه مسائل مربوط به منشاء و مبدأ هنر با بررسی های دقیقی در مشغله های اجتماعی هنرمند، اختلاط پیدا میکنند.^۱ بر پایه اینگونه هنرشناسی (اجتماعی - زیبایی شناسانه) ، در زمان حاضر نیز مکتب فکری معتبری در فرانسه وجود دارد که از عقاید زیبایی شناس فرانسوی «شارل لالو»^۲ تبعیت میکند. «لالو» به صراحت از «زیبایی شناسی جامعه شناسانه» سخن میگوید.^۳ با اعتقاد او سبب گمراهی و سردرگمی بزرگی خواهد شد اگر جای ارزش های زیبایی شناسانه را، «دانش حدسیات و احتمالات» اشغال کند. «آمار عقاید» جانشین «اثر هنری» میشود و ارزش های زیبایی شناسانه به ارزش های تجارتمندی تبدیل خواهد شد! «موضوع» های زیبایی شناسی - بمعنای واقعی کلام - باید تنها بوسیله ی معیارهای زیبایی شناسانه مورد سنجش قرار گیرند و نباید به موضوع های متافیزیکی، فیزیکی، روانی و یا اجتماعی تبدیل شود.^۴

شیوه تفکر «زیبایی شناسی جامعه شناسانه» ، هم چنان که «زیبایی شناسی های علمی»^۵ چه با این عناوین و چه با عناوین دیگر - در آلمان نیز هواداران فراوانی پیدا کرده است. اینان نیز همه شیوه های پژوهشی جامعه شناسی، ریخت شناسی و زیبایی شناسی را به جدو با آگاهی بایکدیگر مخلوط میسازند. موزیکولوگ آلمانی «مرسمان»^۶ - که در حقیقت خود را هرگز بعنوان «جامعه شناس موسیقی» معرفی نکرده است، ولی از نگارشات اولیه ی او میتوان بخوبی تمایلات جامعه شناسانه او را در ادراک موسیقی احساس کرد - خود را در برابر

1- R. Bayer, P. Cit., s. 125

2- Ch. Lalo

3- Vgl. Ch. Lalo : Notions d'esthetique, P.U.F., Paris 1948, s. 70 ff

4- Vgl. A. Silbermann: Introduction à une sociologie de la musique, e.a.A.O, s. 7

5- Th. Munro : Toward Science in Aesthetics, liberal Arts presse, New York, 1956

6- H. Mersmann

این سردرگمی - که شاید هنوز آنگونه که باید و در وجه قرار نگرفته - یافته است. «مرسمان» در یکی از مطالعات خود^۱، که در آن کوشیده است تا حتی المقدور بررسی‌های جامعه‌شناسی را نظم و ترتیب خاصی ببخشد، میان راه‌های مستقیم و غیر مستقیم نزدیکی با اثر هنری قائل به تفکیک شده است. بنظر او با این تفکیک جامعه‌شناسی میتواند در تاریخ هنر «ساخته» شود. «راه مستقیم» برای «مرسمان» عبارتست از «موقعیت و تداوم یک موضوع جامعه‌شناسی در حوزه تاریخ هنر یا تاریخ موسیقی». در حالیکه «راه غیر مستقیم» از موقعیت خاص یک موضوع ناشی نمیشود، بلکه روش‌ها و معیارهای استفساری جامعه‌شناسی را در برابر اثر هنری و لحظات مشخص تاریخ موسیقی قرار میدهد. مرسمان در این مطالعه بخصوص هم خود را در راه توضیح دومین راه - راه غیر مستقیم - وقف میکنند. بر اساس توضیحات او بخش‌های اساسی جامعه‌شناسی و موسیقی باید از یکدیگر جدا و مستقل بمانند. «مرسمان» می‌نویسد: «میتوان برای استفسار و ادراک جامعه - شناسانه‌ی اثر هنری شالوده‌ای بوجود آورد؛ که نه از روش‌های جامعه‌شناسی، بلکه تنها از قوانین خاص موسیقی نشأت گرفته باشد». پس از آن میتوان مسئله «انعکاس و تأثیر گذاری را بررسی کرد» و در آخر به این مسئله پرداخت که «در چه موقعیت و تا چه حد، بیان هنری، بشکلی مستقیم، تعیین و قطعیت جامعه - شناسانه پیدا میکند؟».

بیانی از این آشکارتر و روشن‌تر نمیتوان یافت. و هرگز نمیتوان بهتر از این از چنان «فرضیه» ای به چنین «نتیجه» ای دست پیدا کرد. فرضیه‌ای که جامعه‌شناسی را تنها بعنوان «دانش کمکی» تلقی میکند، و این نظری است که هیچکس انتظار آن را نخواهد داشت که ما با آن موافقت داشته باشیم. «مرسمان» چنین نظری را از سال ۱۹۳۰ مبشر و معرف بوده و نشان داده است که او نیز به آن مکاتب فکری وابسته است که اثر هنری را باین شکل خاص، از نظر

1 - Soziologie als Hilfswissenschaft der Musikgeschichte, in : Archiv für Musikwissenschaft, Trossingen 1953, 10. Jg., Nr. 1

جامعه‌شناسی مورد بررسی قرار میدهد - چون «لالو» و وابستگان او - بی‌آنکه ضرورتی به ذکر نام کسانی در میان باشد، میتوان گفت که در تعداد بیشماری از نگارشات آلمانی در قلمرو جامعه‌شناسی موسیقی تمایل به تبعیت از چنین اعتقادی محسوس است.

در این تمایل، اثر موسیقی همواره یک موضوع زیبایی‌شناسی تلقی میشود البته در حال حاضر این تمایل با آنچه در گذشته بوده تفاوتی حاصل کرده است. در گذشته تنها «فرد» مورد نظر قرار میگرفت، ولی اینک مسائل جمعی و گروهی نیز در بررسی‌هایی از اینگونه راه پیدا کرده است. باین ترتیب بود که در قلمرو موسیقی بالاخره از - بقول لالو - «فرد اجتماعی شده»^۱ سخن بمیان آمد، «فردی» که از زمان‌های دور در برابر خلق اثر هنری نوعی «روح گروهی» را با خود حمل کرده است. با همین «روح گروهی» است که او خویش را بیان میکند و از طریق آن بسوی گروه‌های اجتماعی میگراید. هم‌چنین از راه اینگونه زیبایی‌شناسی جامعه‌شناسانه اثر هنری، این نتیجه حاصل میشود که همه تحولات و انقلابات تنها «سنتز»ی است از کوشش‌های جداگانه و مستقل تعداد بیشماری از آدمیان و همه‌ی آنچه پیش می‌آید، بنابراین نمیتواند تنها از «هیچ» خلق شده باشد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی